

یادداشت‌های زیرزمین و شب‌های روشن

فئودور داستایفسکی

پرویز شهلای



۱۳۱۶۲۴۱

۱۴۰۲

www.ketab.ir

سرشناسه:	داستایوسکی، فنودور میخائیلوویچ، ۱۸۲۱ - ۱۸۸۱ م.
عنوان و نام پدیدآور:	Dostoyevsky, Fyodor یادداشت‌های زیرزمین و شب‌های روشن / فنودور داستایفسکی؛ برگردان از متن فرانسه: پرویز شهدی.
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات مجید، ۱۳۹۳. انتشارات به‌سخن، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری:	۲۵۶ ص.
شابک:	978 - 600 - 7987 - 64 - 3
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	متن اثر اصلی به زبان روسی است و کتاب حاضر از متن فرانسوی تحت عنوان Les Nuits blanches suivi de Le Sous-sol به فارسی برگردانده شده است.
موضوع:	داستان‌های روسی - قرن ۱۹ م.
شناسه افزوده:	شهدی، پرویز، ۱۳۱۵ -
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۳ PG ۳۳۵۹/آ۱
رده‌بندی دیویی:	۸۹۱/۷۳۳
شماره کتابشناسی ملی:	۳۷۴۸۸۱



تهران، انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۲، واحد ۲
تلفن: ۶۶۴۹۷۸۴۵۳ - ۶۶۴۹۵۷۱۳ - ۶۶۴۹۱۵۸۸

فنودور داستایفسکی

یادداشت‌های زیرزمین و شب‌های روشن

برگردان از متن فرانسه: پرویز شهدی

چاپ ششم (سوم ناشر)، تهران، تابستان ۱۴۰۳ ه. ش.

نسخه ۵۰۰

نسخه پردازی و آماده‌سازی: گروه تولید انتشارات به‌سخن

لیتوگرافی مهر، چاپ گلچین‌نوین، صحافی کیمیا

طرح جلد: محسن سعیدی

همه‌ی حقوق محفوظ است.

شابک: ۳-۶۴-۷۹۸۷-۶۰۰-۹۷۸

این کتاب تا نوبت چاپ سوم در انتشارات مجید منتشر شده است.

www.majidpub.com

فهرست مطالب

۵	پیش‌گفتار مترجم
۷	یادداشت‌های زیرزمین
۱۷۷	شب‌های روشن

www.ketab.ir

پیشگفتار مترجم

داستایفسکی «شب‌های روشن» را در سال ۱۸۴۷ نوشت، یعنی در بیست و شش سالگی؛ اما در آن زمان که هر جوانی بنا به مقتضیات سنی‌اش در عالم رؤیاها و خیال‌پردازی‌ها به سر می‌برد، «پادداشت‌های زیرزمین» را در سال ۱۸۶۴، یعنی در سن پختگی و پس از سرد و گرم‌های بسیار، به‌ویژه بعد از آن همه بلایی که سرش آمد، بیماری، تهی‌شدن ازندان، تبعید و خیلی در دسرهای و مشکل‌های دیگر. منتقدان این دو اثر را نقطه‌ی مقابل و متضاد با هم می‌دانند، اما اگر درست دقت کنیم امید در زندگی داستایفسکی جایی ندارد، هر زمان هم خواسته اندکی طعم خوشبختی را بچشد، بلایی بزرگ‌تر سرش آمده و سلامت جسم و روحش را ریشه کن کرده. مترجم فرانسوی به‌ویژه این دو داستان را با هم آورده و آن‌ها را به دو شیار عمیق و ناهموار در جاده‌ی زندگی داستایفسکی تشبیه کرده است، دو شیاری که در عین تضاد بودن، نقش‌شان یکی است و هر دو به یک‌جا ختم می‌شوند. نویسنده در «شب‌های روشن» امید را در دل خواننده می‌پروراند، آن‌هم با شخصیتی منزوی و تنها که هیچ پیوند دوستی و عاطفی با کسی ندارد. اما این امید به مویی بند است و خواننده در حالت تعلیق زمانی که گمان می‌کند گل امید

می رود که شکوفا شود، رشته پاره می شود و جز یأس و نومیدی چیزی برایش باقی نمی ماند. در «یادداشت های زیرزمین» که بسیاری از داستایفسکی شناسان آن را کلید درک همه ی آثارش می دانند، نویسنده یعنی راوی دیگر جوان نیست، چهل ساله است، آن قدر بلاها سرش آمده که آدم تعجب می کند چه گونه دوام آورده و زنده مانده است: بیماری صرع، تهیدستی، به دوش داشتن بار هزینه های زن و فرزندان برادرش، زندان و تبعید در بدترین شرایط، این چنین آدمی چه گونه می تواند مانند تورگنیف ثروتمند و اشرافی، یا تولستوی ملک و رعیت دار، خوشبین باشد و در داستان هایش به روی خواننده لبخند بزند؟

داستایفسکی در هریک از داستان هایش، حتا از اولین آن ها، یعنی «مردمان فرودست» که در بیست و سه سالگی نوشته، چهره یا چهره های گوناگونی از شخصیت های عجیب و پیچیده اش را به نمایش گذاشته. در ادبیات جهانی کم تر نویسنده ای می توان یافت که شخصیتش این همه وجه های متفاوت و ضدونقیض داشته باشد، پس عجیب نیست که نوشته هایش هم با هیچ نویسنده ی دیگری قابل مقایسه نباشد. در تمام داستان های او پرتوی از عشقی آسمانی و ایثارگرانه می توان یافت، «جنایت و مکافات» است که با همه ی صحنه های خشونت بار و دلهره آورش، «سوفیا»یی آفریده که به تمام معنی مظهر عشق و عاطفه و نجابت و انسانیت است، دختر جوانی که بالای صلیب می رود تا «نجات دهنده»ی دیگری شود، مسیح دوم، مریم مجدلیه ای دیگر.

هرچه در این مختصر درباره ی داستایفسکی بگویم، کم گفته ام. هرکس با او، با زندگی حیرت آور و نوشته های شگفت انگیزش آشنا می شود، دنیای جدیدی کشف می کند که به جرأت می توانم بگویم هیچ نویسنده ی دیگری میان همه ی ملیت ها، نتوانسته به آن دست یابد.

پرویز شهدی